

شرق روزنامه

نگاه

بحران هویت در اندونزی

اندونزی مدرن گواهی بر انتقال به دموکراسی و ایجاد یک چارچوب قانونی است که در آن برابری، امنیت و آزادی برای همه شهروندان فارغ از هرگونه تبعیض تضمین شده باشد. از اصلاحات سال ۱۹۹۸ (دوران انتقال بعد از سرنگونی سوهارتو، دیکتاتور این کشور) اندونزیایی‌ها شاهد آن بودند چگونه اصلاحات سیاسی می‌تواند منجر به آزادی بیان، یکسان‌سازی نقش احزاب سیاسی – از جمله احزاب اسلامی – شده و موجب شود مردم در انتخاباتی آزاد و شفاف حقوقشان را به دست آورند. اما اکنون دو دهه بعد از این اصلاحات، شاهد بحران سیاسی معنادار در کشور هستیم که بیانگر شکافی وسیع بین آت‌هایی است که از دولت قانونی دفاع می‌کنند و کسانی که از اسلام به عنوان پایه‌ای برای مقابله با تکثرگرایی موجود در بطن سیاست‌های دموکراتیک معاصر استفاده می‌کنند. این رویکرد جدید از اندونزیایی‌ها می‌خواهد هویت خود را به‌ عنوان بخشی از یک «امت» تلقی کنند و این امر را فراتر از عضویت در یک حزب یا رای‌گیری سیاسی بدانند. به‌این‌ترتیب هویت مذهبی می‌رود جایگزین حق شهروندی به عنوان کلید اصلی پیگیره اجتماعی شود. افزایش درخواست‌ها برای کافرپنداری فرماندار جاکارتا (سبایی تجاهلج، یک مسیحی چینی‌تبار که اهوک نامیده می‌شود)، امروزه به بزرگ‌ترین چالش برای جاکویا (جاکو ویدود)، رئیس‌جمهور کشور، تبدیل شده است.

اهوک به صورت رسمی ۱۶ نوامبر به عنوان مظنون از سوی پلیس ملی اندونزی معرفی شد. این‌کمر از دو هفته بعد. از فشارهایی بود که از سوی رادیکال‌ها و مسلمانان محافظه‌کار اعمال می‌شد. آنها ده‌ها هزار نفر را در چهارم نوامبر به مرکز جاکارتا کشاندند تا خواستار محاکمه اهوک شوند.

ادعای کافرپنداری اهوک به وسیله فتوای شورای علمای

اندونزی نیز تایید شد. این گروه شبه‌دولتی در دوران حکومت

سوهارتو یعنی در سال ۱۹۷۰ تأسیس شده و به طور معمول نقشی

مقتدرانه را در مسائل سیاسی اندونزی بازی می‌کند.

این موضوع چند هفته در محافل اندونزی مورد بحث و مشاجره بود که برای تفسیر قرآن علاوه بر کتاب باید از نظر علما هم استفاده شود. باوجود این بحث‌های آزاد و گسترده، کسانی که به اهوک حمله می‌کنند به صورتی تزلزل‌ناپذیر بر این باورند او به دین توهمین کرده است. این درحالی است که این نامزد و دیگرانی که با نظر چنین افرادی همراه نیستند، «لیبرال» تلقی می‌شوند.



هویت سیاسی

این موضوع قبل از هر چیزی یک مسئله سیاسی بوده و بیانگر اختلاف سیاسی چند لایه و گمنه‌ای بین سیاستمداران جاکارتاست. «حبیب زراق»، رهبر گروه جنبه دفاع از اسلام، یکی از اعضای اقلیت عرب‌تبار اندونزیایی در جاکارتا به شمار می‌رود که با بومیان این منطقه (بتاوی‌ها) ارتباط نزدیک دارد. همچنین رئیس‌جمهور سابق و بسیار محافظه‌کار یعنی «سوسیولو هویونو» نیز متهم به آن است که در پشت این راهپیمایی قرار دارد. او از مدت‌ها پیش به دنبال آن بود پسرش «آگوس سودوهوونو» را به مقام ریاست‌جمهوری برساند. این رئیس‌جمهور در دوران زمامداری خودش بیش‌تر ارتباط با جریان‌های محافظه‌کار مذهبی داشت. او با نامزدی پسرش دست به یک قمار سیاسی زده و می‌خواهد دوباره فرصت‌های خانوادگی خود را در قدرت زنده کند. موضوعات مهمی در ورای این بحران خوابیده و دشوار نیست اگر نتیجه گرفته شود این مسئله می‌تواند درکل به تعیین هویت ملی آینده اندونزی منجر شود. مدت‌ها اندونزی به عنوان کشوری مدرن با تکثرگرایی اسلامی ستایش می‌شد، زیرا به صورتی منظم توانسته بود بحث‌های سیاسی درباره مذهب و دولت را به وسیله تدوین یک قانون اساسی با مکانیسم‌های دموکراتیک حل‌وفصل کند. باوجوداین، مسلمانان تندرو و رادیکال با بلندکردن صدایشان اکنون به دنبال جالش با وضعیت موجود کشور و در سطحی وسیع با دولت سکولار حاکم بر آن برآمده‌اند. چالش اخیر به‌ویژه از این لحاظ تاسف‌برانگیز است که بخشی از نخبگان سیاسی، گروه‌های رادیکال و محافظه‌کار و شامل جمع کثیری از کسانی می‌شود که اساساً رژیم را کافر می‌پندارند. همچنین این موضوع از آنجا دردرس‌ساز شده است که به محل تلاقی مفاهیم نژادپرستی و دینی تبدیل شده و برای دستاوردهای انتخاباتی از آن بهره‌برداری می‌شود.

آزمونی برای دموکراسی

حتی اگر اجازه داده شود روند قانونی مسیر خود را طی کند، نمی‌توان چندان آسوده‌خاطر بود، زیرا ما ده قانونی مربوط به کافرپنداری در بهترین حالت، ابهام دارد و بخش‌های متعددی از نهادهای قانونی کشور، از جمله قوه قضائیه می‌تواند تحت‌تاثیر عوامل سیاسی تصمیم‌گیری کند. به‌علاوه محکوم‌شدن یا برته چنین فردی به طور هم‌زمان واکنشی منفی را بین جناح‌های مختلف برخواهد انگیزخت. ازاین‌رو، مسئله اهوک می‌تواند آزمونی انتقادی و حساس برای دموکراسی اندونزی باشد. موفقیت او احتمالاً از سوی کسانی به عنوان انتقام نهادهای قانونی از پوپولیست‌ها و مخالفان مذهبی برداشت خواهد شد. حال آنکه شکست او می‌تواند اثبات‌کننده برداشت دیگری باشد و به عنوان جایزه‌ای برای گروه‌های رادیکال سیاسی تعبیر شود. اما دراین‌میان یک چیز روشن است و آن اینکه یافشاری و وزن فعالیت‌هایی که از سوی ائتلاف ضداهوک اعمال می‌شود، به احتمال زیاد منجر به سطح جدیدی از به‌کارگیری دین به عنوان یک ابزار در سیاست آینده اندونزی خواهد شد.

منبع: الجزیره

ملکه سیاست‌های ریاضتی

طبق نظرسنجی‌ها صدراعظم آلمان همچنان قدرتمندترین سیاست‌مدار اروپاست، درحالی‌که برخی دیگر حتی معتقدند او «رهبر جدید جهان آزاد» نیز خواهد بود. درحالی‌که پیروزی دونالد ترامپ در کاخ سفید، خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا و افزایش موج پوپولیست‌ها لرزه بر اندام غرب انداخته است، بسیاری «انگلا مرکل»، صدراعظم عمل‌گرا و منطقی آلمان، را آخرین صدای منطق در جهان آشوب‌زده امروز می‌دانند.

مرکل ۶۲ساله با وجود موج بحران‌ها در حوزه یورو، تنش‌ها با روسیه و موج تاریخی پناهجویان توانسته به‌خوبی بزرگ‌ترین اقتصاد اروپا را رهبری کند.

در جریان ۱۱ساله حضور در قدرت، مرکل شاهد آمدورفت سیاستمداران متعددی از جمله جورج بوش، تونی بلر، دیوید کامرون، ژاک شیراک و به‌زودی باراک اوباما و فرانسوا اولاند

خواهد بود.

سال آینده نیز تلاش خواهد کرد تا برای چهار سال دیگر در قدرت باقی بماند. این در حالی است که اخیراً در پی استعفای مائتو رنتزی، نخست‌وزیر ایتالیا، در پی شکست اصلاحات قانون اساسی‌اش در یک همه‌پرسی، عکسی در شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌ها مربوط به هفت ماه پیش پخش شده که در آن مرکل به‌همراه رنتزی، باراک اوباما، رئیس‌جمهور آمریکا، دیوید کامرون، نخست‌وزیر بریتانیا و فرانسوا اولاند، رئیس‌جمهور فرانسه، دیده می‌شود.

هدف از انتشار این عکس که در تاریخ ۲۵ آوریل گذشته در شهر هانوفر و در مراسم مربوط به برگزاری یک نمایشگاه تجاری گرفته شده، این است که نشان دهد از بین این پنج رهبر، مرکل تنها کسی است که قرار است به کارش ادامه دهد، چراکه کامرون و رنتزی به دلیل وابسته‌کردن سرنوشتشان به یک همه‌پرسی استعفا کردند و اوباما و اولاند نیز تا چندی دیگر از ریاست‌جمهوری کنار خواهند رفت. مرکل که زمانی به‌عنوان «ملکه سیاست‌های ریاضتی» اروپا شناخته می‌شد، اخیراً با اظهارات خود خطاب به ترامپ بین‌بر اینکه همکاری‌ها باید براساس «دموکراسی، آزادی و احترام به قانون و شایستگی بشر» باشد، ستایش همگان را برانگیخت.

روزنامه‌های بین‌المللی، پس از آن مرکل را «مشعل‌دار جدید لیبرال‌دموکراسی» خواندند و باراک اوباما نیز او را این‌چنین به‌عنوان نزدیک‌ترین شریک خود توصیف کرد: اگر من آلمانی بودم و یک رأی داشتم، قطعاً به او رأی می‌دادم. درمقابل، صدراعظم آلمان به اقدامی که بیانگر تواضع او بود، این موج تحسین‌ها و تمجیدها را «گروتسک و بوج» توصیف کرد.

مرکل با داشتن مدرک دکترا در شیمی کوانتوم، به رویکرد روشمند خود در حل مسائل شهره است. او به‌دور از تکبر و اقتدان در دام قدرت به‌همراه همسر خجالتی‌اش، یواخیم ساور، در آپارتمانی در برلین زندگی می‌کند. از سوپرمارکت‌های محلی خرید می‌کند و تعطیلاتش را با کوه‌نوردی در آلپ می‌گذراند. به نظر می‌رسد آلمان‌ها با توجه به اینکه ایدئولوژیست‌ها بیشتر کشورشان را درگیر فاجعه کرده‌اند این مشی را دوست دارند و تاکنون از سال ۲۰۰۵، دو بار «مادر» را انتخاب کرده‌اند.

منبع: ایسنا



«نه» ایتالیایی‌ها و شورش علیه نهادهای مالی نئولیبرال

ناقوس مرگ اروپا

برگزار و بر رأی منفی ۶۰درصدی مردم ایتالیا به یک شکست سخت برای نخست‌وزیر جوان منجر شد، دقیقاً پیامد همین نشنیدن صدای خردشدن ستون فقرات اتحادیه اروپایی است. از همان اولین ساعاتی که نتایج همه‌پرسی و شکست رنتزی با این نتیجه دورازانتظار پیش‌بینی بنگاه‌های نظرسنجی هرچند تا حدودی احتمال شکست را مدنظر داشتند، اما رقابت را شانه‌به‌شانه محاسبه کرده بودند) مشخص شد ضربه آنچنان شدید بود که همه رهبران و نهادهای اروپایی را در شوک فرو برد، چراکه این همه‌پرسی در شرایطی انجام می‌گرفت که حتی با خلاف عرف معمول در حفظ بی‌طرفی از «باراک اوباما»، رئیس‌جمهوری آمریکا، به‌عنوان سکان‌دار در حال بازنشستگی رهبری دنیای آزاد، «انگلا مرکل» صدراعظم آلمان کاندیدای جدید سکان‌داری این دنیای آزاد و «ژان کلود یونکر»، رئیس کمیسیون اروپایی، با حضور در ارکستر سمفونیک برای دعوت از مردم برای دادن رأی «آری» ساز خود را کوک کرده بودند.

این صدای شورش و عصیان ناشی از یک واقعیت عینی که در تصویر آن استخوان‌های طبقات کارگری و ناب‌خوردار اجتماعی در زیر چرخ‌دنده‌های آن در حال خردشدن دیده می‌شود، نه‌تنها آغازی است بر پایان نئولیبرالیسم لجام‌کسیخته که به‌نوعی ناقوس مرگ سوسیال‌دموکراسی مماشات‌گر اروپایی را نیز به صدا درآورده است

هم‌اکنون و طبق معمول این روزها بار دیگر بسیاری از تحلیل‌گران و سیاست‌مداران در ارزیابی این رأی منفی مردم ایتالیا همچنان به‌دنبال مقصر و اشتباه در تنظیم طرح اصلاح قانون اساسی می‌گردند و به نظر می‌رسد که هنوز «سوراخ دعا» را پیدا نکرده‌اند. اصلاً بحث بر سر میزان اعتبار رنتزی، نحوه طرح همه‌پرسی، رقابت‌های سنتی بین احزاب، انتخاب آگاهانه یا ناآگاهانه رأی‌دهندگان، ضرورت بازنگری در سیستم اجرائی و تقویت ثبات در ساختار سیاسی ایتالیا برای اکثریت رای‌دهندگان محلی از اعراب نداشت و موضوع بسیار فراتر از این برداشت‌ها بود. این صدای شورش «حاشیه» است که از مدت‌ها قبل به گوش می‌رسید و در همه‌پرسی «برگزیت» در بریتانیا و چند هفته قبل در انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا خود را به رخ سیاست‌مداران و نهادهای «متنی» در ساختارهای نئولیبرال حاکم کشیده بود، ولی گوش شنوایی نمی‌یافت.

لجام‌کسیختگی نظام سرمایه‌داری در مرحله نئولیبرال کنونی در غیاب یک بدیل واقعی از آلترناتیو چپ که از دهه ۷۰ میلادی ساز خود را کوک کرد و در دهه ۹۰ میلادی با فروپاشی اردوگاه سوسیالیستی جشن «پایان

نقش استراتژیک «کانال استانبول» در روابط روسیه و ترکیه

هارون یحیی ـ علی‌کوشکی

چندبُعدی است که به‌لحاظ دسترسی به منابع انرژی، حمل‌ونقل، خدمات عمومی، اشتغال‌زایی، برنامه‌ریزی شهری، جهانگردی، مسکونی، فرهنگی و از همه مهم‌تر زیست‌محیطی حائز اهمیت است. سازه کانال به‌گونه‌ای طراحی شده است که علاوه بر اتصال دوباره دریای سیاه و دریای مرمره، امکان عبورمورور حتی کشتی‌های بزرگ‌تر را نیز فراهم



«کانال استانبول» را به اطلاع ملت ترکیه رساند و از آن به نام «پروژه بلندپروازانه و بی‌نظیر» یاد کرد. رجب طیب اردوغان اعلام کرد این پروژه عظیم تجلی رؤیایی صدساله‌ای است که قرار است به دومین تنگه استانبول تبدیل شود. رجب طیب اردوغان درباره گستره این پروژه گفت: پروژه‌ای که قصد دارم برای اولین‌بار درساره آن صحبت کنم، پروژه‌ای

کارهای مقدماتی یکی از بلندپروازترین پروژه‌های قرن ۲۱ به نام «کانال استانبول» در حال اتمام است. اگرچه رسانه‌ها بیشتر به جنبه‌های تجاری این پروژه عظیم پرداخته‌اند؛ اما نباید از جنبه‌های دیگر آن غافل شد. این پروژه نه‌تنها برای ترکیه، بلکه برای روسیه و دیگر کشورهای منطقه نیز حائز اهمیت است. بدون شک تنگه بسفر یکی از موضوعاتی است که به‌نوعی با نام ترکیه عجین شده است. این گذرگاه آبی منحصربه‌فرد که همواره در طول تاریخ اهمیت خود را حفظ کرده است، دو قاره آسیا و اروپا را از هم جدا می‌کند و درعین‌حال دریای سیاه و مرمره را به‌هم وصل می‌کند. سواحل تنگه بسفر بقایای تاریخ غنی و میراث فرهنگی تمدن‌های هزارساله را در دل خود جای داده است. همچنین این آبراه از اهمیت سوق‌الجیشی، جغرافیایی و اقتصادی برای اروپا، آسیای‌مرکزی، قفقاز، کشورهای حوزه بالکان، دریای سیاه و مدیترانه برخوردار است. ساخت «کانال استانبول» تحت هیچ شرایطی از اهمیت تنگه بسفر نمی‌کاهد؛ اما به رقیبی برای آن تبدیل خواهد شد. برای اولین‌بار در سال ۲۰۱۱ نخست‌وزیر وقت ترکیه، «رجب طیب اردوغان» که اکنون کرسی ریاست‌جمهوری این کشور را در اختیار دارد، پروژه